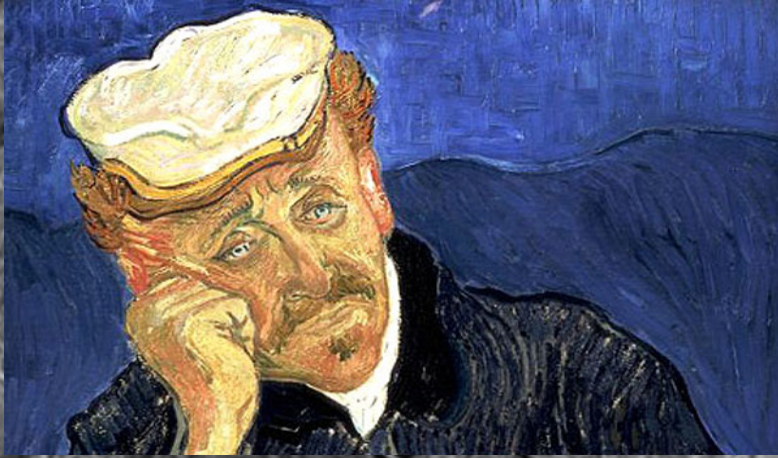


نزدیکی و دوری

فصلنامه



پزشکی و هنر *Medicine and Art*

فصلنامه الکترونیکی

seasonal electronic journal

فصل تابستان سال ۹۰

summer- 2011

سردبیر: دکتر حسام الدین نوروزی Dr.Hesameddin Noroozi Editor in chief

مدیر داخلی: فرانک بهزادی Faranak Behzadi Internal manager

نشانی: شیراز، میدان نمازی، جنب هلال احمر، ساختمان مرکزی

دانشگاه علوم پزشکی شیراز، طبقه سوم، مدیریت تحول اداری

E-mail:hesam_noroozi@yahoo.com

نقل مطالب این نشریه تنها با اطلاع سردبیر و ذکر مأخذ مجاز است

سخن سردبیر



سال گذشته در همین فصل تب جام جهانی شروع شده بود. هر شب به تماشای بازی ها نشستن و بحث در مورد فوتبال در همه جا دیده می شد: اداره ، تاکسی ، خانه، مهمانی ها و جام جهانی ۱۹۸۶ اولین جام جهانی بود که خاطرات بازی های آن به روشنی در ذهنم مانده است و با ولع بازی ها را دنبال می کردم. از جام ۸۲ اسپانیا البته خاطره زیادی ندارم اما جام ۸۶ مکزیک را که با کنکور مصادف شده بود را خوب بخاطر دارم. خاطره درس خواندن و فوتبال دیدن و دنیای ورزش خریدن . "توحیدی" بودم و سعی می کردم آنقدر درس بخواندم که موقع تماشای بازیها عذاب وجدان کمتری داشته باشم. هرچند مسابقات و همزمانی آنها با امتحانات نهایی دبیرستان در آخر باعث افت معدل شد. " پرهام.م" مارادونا و تیم آرژانتین را به هیچ ستاره و تیمی عوض نمی کرد و هنوز هم نمی کند و آن روزها هر روز با " هومن.م " که طرفدار برزیل بود و هست کری می خواندند. هر روز پیگیری بازی های مارادونا، زیکو ، پلاتینی و رومنیگه بودیم . اما اسم دکتر سوکراتس بعنوان کاپیتان تیمی که هر ستاره آن به تیمی می ارزید جایگاه خاصی داشت . نه اینکه برایم از بقیه بازیکنان برتر بود اما از آنها متمایز بود:



دکتر سوکراتس برازیلیرو سامپایو دو سوزا ویرا دو الیویرا* ملقب به " سوکراتس " در ۱۹۵۴ در بلم دو پارای* ۲ برزیل به دنیا آمد. دکترای پزشکی اش را از دانشگاه ریبریائو پرتو* ۳ در ایالت سائو پائولو گرفت و همزمان نیز بطور حرفه ای به بازی فوتبال می پرداخت. وی یکی از بزرگترین هافبک های تاریخ فوتبال می باشد. وی با هر دو پا قادر به بازی با توپ بود. قابل توجه ترین توانایی وی در بازی خوانی بود و تکنیک منحصر به فردش پاس هایی با پشت پا بود. وی در دو جام جهانی متوالی ۱۹۸۲ و ۱۹۸۶ در تیم ملی برزیل حضور داشت و کاپیتان تیم ملی بود. وی از سوی مجله ورد ساکر بعنوان یکی از صد بازیکن برتر فوتبال تاریخ انتخاب شد. وی در حال حاضر بعنوان پزشک در حیطه پزشکی ورزشی فعالیت می کند.



www.webunrapped.com

زیکو و سوکراتس

یکی دیگر از کسانی که اسمش در اون زمان ها به گوش ما خورد کارلوس بیلاردوی آرژانتینی بود. بعد از جام ۸۶ مکزیک که نمرات دیپلم مون را خراب کرد، نمرات امتحانات علوم پایه مان نیز بخاطر بازی های جام ۱۹۹۰ ایتالیا افت داشت. در این دوره بازی های آرژانتین با شکست در برابر کامرون شروع شد و تا فینال استرس کشیدیم. اعصابمون دیگه توی فینال حسابی به هم ریخته بود. فکر کنم دو تا از بازیکنان آرژانتین اخراج شدند و حسابی تیم آرژانتین به هم ریخته بود. روش مربیگری که بیلاردو در اون زمان انجام داد حسابی ضد فوتبال شده بود: اینقدر بازی را کش بدی تا به پنالتی برسه و توی پنالتی بازی را ببری. بخت آلمان بلند بود که اندریاس برمه در دقایق پایانی گل زد و کار به پنالتی نکشید...

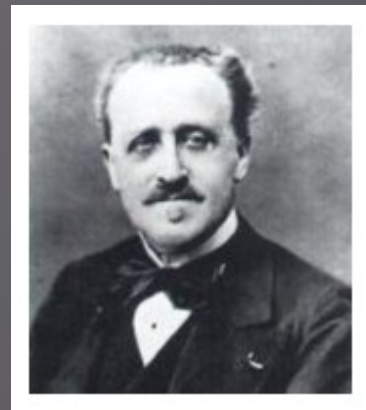
دکتر کارلوس بیلاردو در مارس ۱۹۳۹ در بوئنس آیرس آرژانتین به دنیا آمد. از کودکی به فوتبال علاقه داشت و به

عضویت تیم ملی جوانان آرژانتین نیز انتخاب شد. در ۱۹۶۱ وی به تیم دیپورتیو اسپانول منتقل شد و همزمان به تحصیل در رشته پزشکی در دانشگاه بوئنوس آیرس پرداخت. پس از پایان رشته پزشکی دست از بازی فوتبال برداشت و به مربیگری و کار در رشته زنان و زایمان پرداخت. در سال ۱۹۷۶ از رشته پزشکی دست کشید. چون باورش این بود که پرداختن به حرفه پزشکی نیازمند کار تمام وقت در این رشته است و انجامش برای او ممکن نبود. دکتر کارلوس بیلاردو در دو جام ۱۹۸۶ و ۱۹۹۰ مربی تیم ملی فوتبال آرژانتین بود و در هر دو بار به فینال جام جهانی رسید. در سال ۱۹۸۶ به همراه دیگو مارادونا ستاره مسابقات به قهرمانی جهان رسید و در سال ۱۹۹۰ به کسب مقام دوم رسید. وی در حال حاضر مشاور دیگو مارادونا مربی تیم ملی آرژانتین است.



دیگو مارادونا و دکتر کارلوس بیلاردو

دو نقاشی از دکتر گاشه
نویسنده: دکتر حسام الدین نوروزی

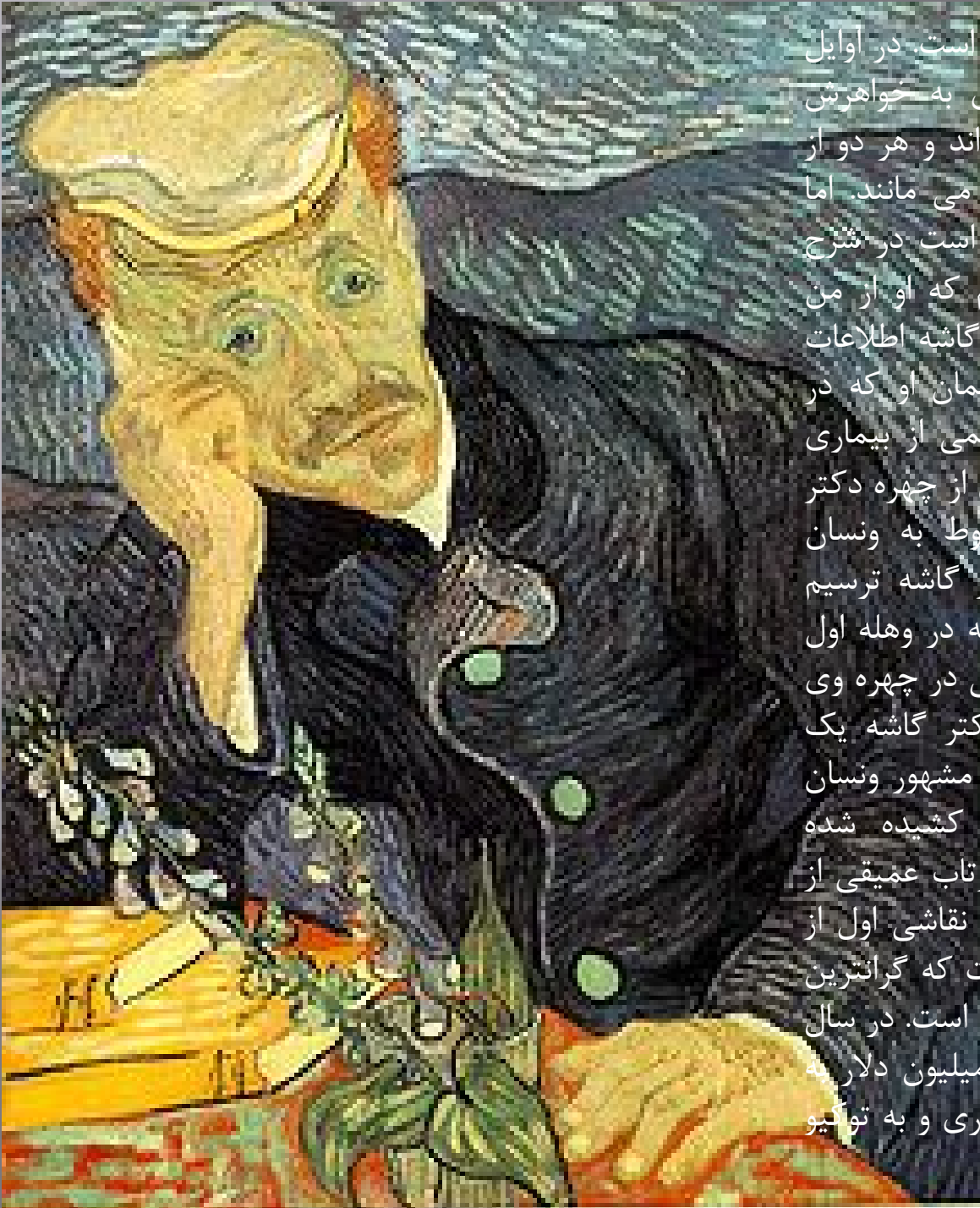


دکتر پل فردیناند گاشه در شهر لیل فرانسه به دنیا آمد. وی در شهر لیل و سپس در شهر میشلن بزرگ شد. پدرش کارگر کارخانه بود. پس از گرفتن مدرک BA از دانشگاه پاریس، در دانشکده پزشکی پاریس و مونته پلیمه درس خواند و در سال ۱۸۵۸ دکترای پزشکی خود را با نوشتن پایان نامه ای با عنوان "نوشتاری بر مالیخولیا" دریافت کرد. او سپس به پاریس برگشت و به کار خصوصی پزشکی و بخصوص در زمینه بیماری های اعصاب، کودکان و زنان پرداخت. در سال ۱۸۶۸ با بلانش کاستت ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند دختر و پسر به نام های مارگریت و فیل بود. در زمانی که در پاریس کار می کرد با حلقه نقاشان بزرگ سبک امپرسیونیسم آشنا شد و از دوستان نزدیک ایشان به شمار میرفت. از نقاشان معروف این

سبک که با وی دوستی داشتند می توان به گوستاو کروبه و پل سزان اشاره کرد. وی علاوه بر درمان ونگوگ، به درمان اگوست رنوار، ادوارد مونه و هنری دومیه نیز بخاطر بیماری های جسمی پرداخته است. وی علاوه بر اینها با ویکتور هوگو نیز آشنایی داشت. خانه و خانواده دکتر گاشه بدلیل همین دوستی ها بعنوان مدل نقاشی در برخی از آثار نقاشان امپرسیونیست به تصویر در آمده است. دکتر گاشه خود نیز علاقه زیادی به نقاشی داشت اما تابلوهای نقاشی محدودی از وی باقی مانده است. او به طراحی و نقاشی به سبک امپرسیونیسم می پرداخت و کارهای خود را با نام هنری پل ون ریسل امضا می کرد.



بنظر تئو ونگوگ ، برادر ونسان ، دکتر گاشه
بدلیل ارتباطی که با نقاشان امپرسیونیست
داشت و نیز کارکردنش وی در بیمارستان
بیماران روانی، پزشک مناسبی برای درمان
ونسان ونگوگ بود. پیش از ارجاع ونسان
ونگوگ برای درمان ، تئو در مورد اوبا دکتر
گاشه صحبت کرده و نظرش را پرسیده بود.
دکتر گاشه ونسان را برای درمان در
بیمارستانی در منطقه روستایی اوور بستری
کرد. این منطقه به این دلیل انتخاب شد که
به پاریس نزدیک بود و کار مراقبت از ونسان
را راحت تر می کرد.



روند درمان و نسان با فراز و نشیب هایی همراه بوده است. در اوایل بستری شدن در این آسایشگاه ونگوگ برنامه ای به خواهرش نوشت که دکتر گاشه را دوست نزدیک خود می داند و هر دو از نظر افکار آنقدر به هم شبیهند که همچون برادر می مانند. اما برنامه ای که مدتی پس از بستری به تئو نوشته است در شرح حال دکتر گاشه می گوید : " .. من فکر می کنم که او از من بیمارتر است... ". هم اکنون از وضعیت روانی دکتر گاشه اطلاعات مستندی در دست نیست . از حالت چهره و چشمان او که در نقاشی های و نسان ونگوگ ترسیم شده است علائمی از بیماری های روانی را به او نسبت داده اند. هنرمندان زیادی از چهره دکتر گاشه نقاشی کشیده اند اما معروفترین آنها مربوط به و نسان ونگوگ است. چهره هایی که نقاشان دیگر از دکتر گاشه ترسیم کرده اند ، وی را فردی معمولی نمایش داده اند که در وهله اول خصوصیت برجسته ای و یا علامتی از بیماری خاصی در چهره وی قابل ذکر نیست . اما . و نسان ونگوگ از چهره دکتر گاشه یک طراحی و دو نقاشی ترسیم کرده است . در نقاشی مشهور و نسان ونگوگ ، چهره دکتر گاشه خسته و افسرده کشیده شده است. چشمان وی به رنگ آبی کمرنگی است که بازتاب عمیقی از احساس افسردگی و غم را تداعی می کند. تابلوی نقاشی اول از چهره دکتر گاشه که به سال ۱۸۹۰ رسم شده است که گرانتترین تابلوی نقاشی به فروش رفته در یک حراجی عمومی است. در سال ۱۹۹۰ در حراج کریستی این تابلو به مبلغ ۸۲.۵ میلیون دلار به فروش رفت. نقاشی توسط یک میلیونر ژاپنی خریداری و به توکیو برده شد و دیگر در انظار عمومی به نمایش در نیامد



۱- چهره ونسان ونگوگ: ونسان ونگوگ در ادامه درمان های ناموفقی که داشت سرانجام در بعدازظهر روز ۲۷ جولای ۱۸۹۰ با روولور به قصد خودکشی به قفسه سینه خود شلیک کرد. گلوله دنده پنجم را شکست و وارد قفسه سینه شد اما به مرگ آنی منجر نشد. ونسان چند ساعت بعد از دنیا رفت. مشهورترین تابلوی نقاشی دکتر گاشه اسکیس چهره ونسان ونگوگ در بستر مرگ است. در این طراحی که از صورت ونسان و تقریباً از نیمرخ کشیده شده، چشمان نیمه باز ونسان ونگوگ و پیشانی پر از چین و چروک وی که نشاندهنده درد و غم فراوان وی بوده است با ضرب قلم های سریع و منقطع و خطوطی محکم که نشانی از خصوصیات سبک نقاشی امپرسیونیسم دارد، به ترسیم درآمده است. این اسکیس با نام وان ریسل امضا شده است.



بخش وبا : در این تابلوی نقاشی ، بخش بیماران مبتلا به بیماری وبا به تصویر درآمده است. دو بیمار که بر روی تخت دراز کشیده اند اولین موضوعاتی هستند که به چشم می آیند. نوری که بر ملحفه های سفید آنان تابیده است ، باعث شده که این دو بیمار جلوه بیشتری در نیمه فوقانی تابلو داشته باشند . چهره نفر نزدیک تر نحیف شده و کاملاً ضعیف بنظر میرسد. سه نفر ملاقات کننده احتمالی که از لباس هایشان می توان حدس زد که زن هستند با لباس های تیره و سربند در پایین تابلو و در سایه رنگ تیره ای قرار گرفته اند. این سه نفر تنها به انتظار سرنوشت محتوم دو بیمار نشسته اند. تفاوت نور و

سایه تابلو را به دو بخش سبک تر فوقانی و سنگین تر پایینی تقسیم کرده است . این تفاوت دو رنگ باعث ایجاد سنگینی در پایین تابلو و سبک تر شدن تابلو در قسمت فوقانی دارد. بدلیل رنگ بندی و نوع تقسیم بندی تابلو ، حس رهایی بیماران از کره خاکی و رفتنشان به آسمان که می تواند نشانی از مرگ قریب الوقوع آنها باشد در تابلو القا شده است . در این تابلو بجز یک ظرف که احتمالاً حاوی آب است هیچ نشانه دیگری که بتوان بر آن اساس نحوه درمان را در آن زمان حدس زد در اتاق وجود ندارد. این تابلو نیز با نام وان ریسل امضا شده است.



دنیا رفت. دکتر گاشه مالک بزرگترین مجموعه تابلوهای نقاشان بزرگ سبک امپرسیونیسم در اروپا بود که پس از مرگش ، این مجموعه توسط فرزندانش به موزه ملی فرانسه اهدا گردید

تابلو ها و طرح های دیگری نیز از دکتر گاشه موجود است. در دیگر تابلوها وی همانند دیگر نقاشان سبک امپرسیونیسم موضوع کارهای وی را منظره و طبیعت بیجان تشکیل میدهد. دکتر گاشه سرانجام در سن ۸۰ سالگی بدلیل کهولت سن از

کتاب هایم را ورق میزنم: بادبادک



سامرست موام نویسنده سرشناس انگلیسی در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۸۷۴ در پاریس به دنیا آمد و در شهر نیس فرانسه از دنیا رفت. سامرست موام پزشک بود و در دوران جنگ جهانی اول در صلیب سرخ انگلستان به خدمت پرداخت. وی از مشهورترین نویسندگان داستان های کوتاه بود. وی همچنین در نوشتن نمایشنامه و رمان نیز موفق بود. کتاب بادبادک مجموعه ای داستان های کوتاه اوست که با ترجمه شهرزاد بیات موحد و از نشر فرزانه روز چاپ شده است

"...وقتی داستان تمام شد ، ند از من پرسید خوب نظرت چیست؟ می دانی بتی دختر بدی نیست، من چند بار دیدمش، فقط حسادت عجیبی به بادبادک دارد و هربرت هم احمق نیست. در واقع از یک شخص معمولی هم با هوش تره. به نظر تو بادبادک چه خاصیت عجیبی دارد که انسانی را اینقدر غیرمنطقی و فریفته می کند.

جواب دادم : نمی دانم باید فکر کنم. می دانی که هیچ چیز از بادبادک بازی نمی دانم. شاید وقتی بادبادک اوج می گیرد و به سوی ابرها می رود در هربرت نوعی احساس قدرت ایجاد می کند و زمانی که او جریان باد را تحت کنترل درمی آورد، فکر می کند که بر عناصر طبیعت غلبه کرده. شاید در آن لحظات خود را با بادبادکی که درقلب آسمان شناور است یکی می داند و این خود نوعی فرار از یکنواختی زندگی است و یا نوعی روحیه آزادی و ماجراجویی را برای هربرت به همراه می آورد. خوب خودت می دانی وقتی کسی به این خیال بافی ها مبتلا شد، دیگر بهترین پزشکان هم نمی توانند برای او کاری بکنند. ولی به جرأت می توان بگویم همه اینها مهمل و بیهوده است. فکر می کنم بهتر است مساله را با کسی که بهتر از من با روانشناسی حیوانی به نام بشر آشنایی دارد مطرح کنی."